

بررسی عوامل تأثیرگذار بر مطرودیت اجتماعی سالمندان (شهر ورامین)

علی اکبر تاج‌مزینانی، استادیار، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی*

مهديه لاریجانی، کارشناس ارشد برنامه‌ریزی و رفاه اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی

چکیده

امروزه با روند رو به رشد جمعیت سالمندان در بعضی از کشورهای جهان، از جمله ایران، موضوع سالمندی و مسائل و مشکلات مربوط به آنان از اهمیت فزاینده‌ای برخوردار شده است. یکی از این مباحث، مطرودیت اجتماعی سالمندان است. سالمندان با طردشدگی، در معرض خطرات فزاینده‌ای از جمله مشکلات روحی و روانی و بیماری‌های جسمانی قرار خواهند گرفت. سالمندان به عنوان قشری آسیب‌پذیر با مشکلات متعدد چون کمبودهای مالی، ناتوانی، بیماری، از کارافتادگی و ... مواجه هستند؛ به خصوص زمانی که به علت بازنشستگی و افول فعالیت اجتماعی دچار تضعیف روحیه می‌شوند. نوع برخورد با سالمندان در این مرحله از زندگی‌شان بسیار اهمیت می‌یابد؛ این که همچون دوران جوانی مورد توجه قرار گیرند و یا دچار طرد اجتماعی شوند. در این مقاله عوامل تأثیرگذار بر مطرودیت اجتماعی سالمندان در شهر ورامین، با استفاده از روش پیمایش و تکنیک پرسشنامه مورد بررسی قرار گرفته است. براساس فرمول کوکران تعداد پاسخگویان ۳۷۸ نفر است که با استفاده از نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌بندی شده، از میان سالمندان غیر مقیم سراهای سالمند در شهر ورامین انتخاب شده‌اند. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها با نرم‌افزار SPSS نشان می‌دهد که متغیرهای جنسیت، سرمایه فرهنگی، پایگاه اقتصادی- اجتماعی و جهت‌گیری ارزشی با مطرودیت اجتماعی رابطه دارند. به عبارت دیگر، طرد اجتماعی زنان بیشتر از مردان است و سالمندانی که سرمایه فرهنگی، پایگاه اقتصادی- اجتماعی و جهت‌گیری ارزشی بالاتری داشته باشند طرد اجتماعی کمتری خواهند داشت. بیشترین تغییرات مطرودیت اجتماعی نیز با متغیرهای پایگاه اقتصادی- اجتماعی و سرمایه فرهنگی تبیین می‌شود.

کلید واژه‌ها: سالمندان، مطرودیت اجتماعی، سرمایه فرهنگی، جهت‌گیری ارزشی، پایگاه اقتصادی ° اجتماعی، محرومیت، شهر ورامین

مقدمه و بیان مسأله

امروزه موضوع سالمندی و پیری جمعیت یکی از مسائل بسیار مهمی است که در اکثر کشورها مورد توجه قرار می‌گیرد. پیر شدن جمعیت به ویژه جمعیت کهنسالان برای کشورهایی که به دنبال فراهم آوردن امنیت و رفاه برای تعداد رو به رشد افراد سالمند خود هستند، چالشی واقعی محسوب می‌شود (نولان، ۱۹۹۴، نقل از نیازی و بابایی فرد، ۱۳۹۰: ۱۸). هزینه‌هایی که افزایش جمعیت سالمند و توجه نکردن به این قشر بر جامعه تحمیل خواهد کرد، ضرورت پژوهش درباره این مسأله را بیشتر می‌کند. اگرچه در حال حاضر پیری جمعیت در کشورهای توسعه یافته بیشتر به چشم می‌خورد اما از اهمیت این مسأله برای کشورهای در حال توسعه نیز کاسته نمی‌شود، زیرا سیر تحولات جمعیتی نشان می‌دهد در سال‌های آتی احتمال مواجه شدن با پیری جمعیت در کشورهای در حال توسعه همچون ایران نیز وجود دارد. بررسی وضعیت سالمندان به عنوان قشری آسیب‌پذیر با سایر مطالعات در این حوزه تفاوتی اساسی دارد؛ زیرا اولاً تجربه سالمندی برای همه انسان‌ها اجتناب‌ناپذیر است و ثانیاً اکثر انسان‌ها بالاجبار در اطراف خود با افراد مسنی روبرو هستند که با آنان مناسبات شخصی و نزدیک دارند. به همین دلایل مطالعه درباره سالمندان اهمیت مضاعف می‌یابد (معدفر، ۱۳۸۹: ۲۴۱).

ضریب سالمندی^۱ کل کشور ایران در سال ۱۳۶۵، ۶/۶۸ درصد و در سال ۱۳۷۵، ۱۰/۹۳ درصد بوده است (پورجعفری و آبائی، ۱۳۸۱: ۵). اگر ضریب سالمندی را برای سال ۱۳۹۰ محاسبه کنیم عدد ۲۴/۳۵ درصد به دست خواهد آمد که نزدیک به ۱۴٪ نسبت به سال ۱۳۷۵ افزایش داشته است. به طور کلی افزایش میزان افراد پیر در جمعیت امروز کشورها بسیار زیاده‌تر از گذشته است. این امر سبب شده است که دانشمندان مسائل و مشکلات سالمندان را بیشتر در مد نظر

داشته باشند و به آنها اهمیت دهند. از آن جا که مسائل سالمندان به یک نگرانی مشترک جهانی تبدیل شده است، سازمان ملل متحد سال ۱۹۹۹ میلادی را سال بین‌المللی افراد سالخورده نامید (شعاعی، ۱۳۸۱: ۷۳).

آن چه اهمیت می‌یابد این است که جوامع مختلف چه رفتاری با سالمندان دارند و فرهنگ هر جامعه چه تأثیری در نوع برخورد با افراد سالخورده دارد زیرا نوع برخورد با سالمندان نیز مانند تعریف این مفهوم، دارای تنوع و اختلاف است.

در فرهنگ باستانی چین، سالخوردگان بسیار مورد احترام بودند و مرحله زندگی از ۵۵ سالگی به بعد مطمئن‌ترین و آسوده‌ترین دوره زندگی زن و مرد به شمار می‌رفت. در فرهنگ اهالی جزایر آندامان استرالیا، اعضای سالخورده در ساخت و سازمان جامعه موقعیت مسلطی داشتند و در ردیف جوامعی که در آن پیرسالاری رواج داشت قرار می‌گرفتند (علیخانی، ۱۳۸۱: ۱۲، ۱۳). در مقابل در میان اقوام «فولانی» که در آفریقا می‌زیستند، سالخوردگان کم‌کم در حاشیه زندگی قرار می‌گرفتند و جامعه آنها را در عین حیات، از نظر اجتماعی مرده تلقی می‌کرد. در برخی از جوامع بشری «پیرکشی» رواج داشت. در گذشته خیلی دور در میان اسکیموها، فرهنگ جامعه اسکیموهای سالخورده را تشویق می‌کرد که محل زندگی خود را ترک کنند و با رها کردن خویش در سرمای کشنده و فقدان غذا و پناهگاه، خود را به دست مرگ بسپارند. در ایران هم هر چند مردم به برخی اعتقادات فرهنگی و دینی پایبند هستند و سالخوردگی هنوز آن چنان ویژگی بارز جمعیتی نیست و وجود ارزش‌های فرهنگی مثبت، هم در نهاد خانواده و هم در نظام فامیلی، کمتر سالخورده‌ای را از حمایت‌های خانوادگی محروم می‌دارد اما چنین نیست که خانواده‌ها در هر شرایطی پذیرای سالمندان خویش باشند. بنابراین می‌توان ملاحظه نمود همان‌طور که درصد رشد سالمندی در کشورها و جوامع، مختلف است طردشدگی یا

^۱ طریقه محاسبه ضریب سالمندی در هر گروه: عده افراد ۶۵ سال به بالا تقسیم بر عده افراد صفر تا ۱۴ سال ضرب در ۱۰۰.

سالمندان در شرایط عادی با مشکلات خاص خود رو به رو هستند اما اگر با طرد اجتماعی نیز رو به رو شوند، این مشکلات و بیماری‌ها مضاعف می‌گردد. بخشی از این بیماری‌ها، مشکلات روحی و روانی است که در اثر ناملایمات زندگی از یک سو و نادیده شدن از سوی دیگر به سراغ آنها آمده است. بنابراین ضروری است عوامل تأثیرگذار بر طرد اجتماعی سالمندان بررسی شود و تا حد امکان شرایطی برای آنها ایجاد شود که از طرد اجتماعی در امان بمانند.

سوالات تحقیق

وضعیت مطروdit اجتماعی سالمندان شهر ورامین چگونه است؟
عوامل مؤثر بر مطروdit اجتماعی سالمندان شهر ورامین کدامند؟
چه گروه‌های از سالمندان شهر ورامین از مطروdit اجتماعی رنج می‌برند؟

پیشینه پژوهش

از آن جا که مباحث مرتبط با سالمندان، به‌ویژه در دهه‌های اخیر بسیار مورد توجه قرار گرفته است، مطالعات بسیاری در رابطه با این موضوع در حوزه‌های مختلف مانند حوزه روان‌شناسی، پزشکی، حقوق، انحرافات اجتماعی و جامعه‌شناسی و... انجام شده است. در این میان، مباحث جامعه‌شناسانه بیشتر مورد توجه و تأکید ما قرار گرفته است. ریاحی (۱۳۸۷) در رابطه با موقعیت و جایگاه سالمندان در جوامع گذشته و معاصر، مطالعه‌ای تطبیقی انجام داده است. به اعتقاد وی، در جوامع سنتی سالمندان تمامی ابزارهای لازم برای اقتدار و سروری، به‌ویژه قدرت، حیثیت یا اعتبار اجتماعی را در اختیار داشتند و قادر به کسب منزلت اجتماعی برجسته و ایفای نقش‌های کلیدی در خانواده و جامعه بودند اما تحولات ایجاد شده در عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی،

حمایت از سالمندان در سطح خانوادگی نیز در جوامع مختلف، متفاوت است.

نوع برخورد با سالمند و مشارکت دادن وی در خانواده و یا جامعه مسأله‌ای حیاتی برای سالمند محسوب می‌شود که از دید بسیاری از افراد و یا حتی پژوهشگران دور مانده است. یکی از نمودهای طردشدگی سالمندان سپردن آنها به آسایشگاه‌هاست. به طور کلی عللی چون کاهش میزان اعتقاد به سنت‌ها و ارزشمند بودن سالمندی، تغییر ساز و کارهای انتقال دانش و تجربیات، کاهش مشارکت سالمندان در تولید اقتصادی، هسته‌ای شدن خانواده‌ها، کاهش کارکردهای خانواده‌های جدید، اشتغال زنان، افزایش شکاف بین نسل‌ها، ارزشمند شدن جوانی و ظواهر فیزیکی و جسمی افراد و تغییر در معماری و فضای زندگی منازل مسکونی، در کاهش اهمیت و ارزش سالمندان و بروز شرایط نامناسب زندگی برای آنها و به نوعی طرد شدن آنها از جامعه تأثیرگذار بوده است (نیازی و بابایی فرد، ۱۳۹۰: ۹۳).

از دلایل ضرورت بررسی وضعیت اجتماعی سالمندان این است که آنها با توجه به رویدادهایی مانند بازنشستگی و پایان اشتغال، احساس تنهایی، طردشدگی و همچنین فشار ناشی از صنعتی شدن جوامع که به جدایی عاطفی و روانی افراد منجر می‌شود، در معرض خطرات فزاینده‌ای قرار می‌گیرند (اعزازی، ۱۳۷۶، به نقل از نیازی و بابایی فرد، ۱۳۹۰: ۱۸).

گاه تنها به سبب فقدان جزئی توانایی سالمندان و یا بیماری‌هایی که در این دوران به سراغ آنها می‌آید، با ناملایماتی و نامهربانی با آنها برخورد می‌شود و یا از جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند طرد می‌شوند و فرصت مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی از آنها گرفته می‌شود. علیرغم این که در اکثر موارد بروز بیماری و کاهش توانایی سبب انزوای فرد سالمند می‌شود، گاهی اوقات سالمندان توانایی انجام بعضی از کارهای اجتماعی را دارند ولی افراد جامعه آنها را از حضور در اجتماع و یا مشارکت اجتماعی محروم می‌سازند.

چهار سطح فردی، ارائه خدمات، ساختاری و سیاستی و اجتماعی گردآوری و تجزیه و تحلیل شده است.

دل بونو و همکارانش (2013-2007) در پژوهشی با عنوان جنسیت، سالمندان و مطروودیت اجتماعی، با روش تحلیل ثانویه داده‌ها سطح مطروودیت اجتماعی را بر اساس تفاوت‌های جنسیتی مطالعه کرده‌اند. متغیرهای مطروودیت اجتماعی شامل استفاده از خدمات، تأمین مراقبت¹ و مشارکت در شبکه‌های اجتماعی است. این پژوهش از نمونه‌گیری (SARS)² سال 2001 انگلستان استفاده نموده است. یافته‌ها نشان داد که تفاوت میان مردان سالمند و زنان سالمند در استفاده از خدمات، تأمین مراقبت غیر رسمی و مشارکت در شبکه‌های اجتماعی، اغلب پیامد تفاوت در وضعیت تأهل و برنامه‌های زندگی است و تفاوت‌های جنسیتی ارتباط معنی‌داری با مطروودیت اجتماعی ندارد.

جوئل جیزبرز³ و ورومن⁴ (2008) پژوهشی با عنوان مطروودیت اجتماعی سالمندان: مطالعه تطبیقی ایالات اروپا انجام دادند. در این پژوهش ابعاد مطروودیت اجتماعی در چهار بعد مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که سالمندان کشورهای اروپای شمالی (اسکاندیناوی) و هلند کمترین مطروودیت را تجربه می‌کنند. در همه کشورها شاخص فقدان سلامت، عامل مهمی برای افزایش احتمال مطروودیت اجتماعی در همه ابعاد به شمار می‌آید. از سوی دیگر درآمد خانواده تأثیر مهمی بر محرومیت مادی و دسترسی به حقوق اجتماعی در بیشترین کشورها داشته است اما سن و جنسیت عوامل تأثیرگذار جدی بر ابعاد مطروودیت اجتماعی نیستند همچنین اگر کشورها سطح بیشتری از رفاه مادی، حمایت اجتماعی، نابرابری درآمدی کمتر و امید به زندگی بیشتر را فراهم نمایند، سالمندان کمتر طرد می‌شوند.

حقوقی، آموزشی و خانوادگی در دوران جدید، سبب تنزل موقعیت و جایگاه سالمندان در مقایسه با جوامع گذشته گردیده است.

سالاروند و عابدی (1387) به بررسی علل و انگیزه‌های اقامت در سرای سالمندان از دیدگاه سالمندان اسکان یافته پرداخته‌اند. این محققان دو مفهوم ورود اختیاری و ورود اجباری را مورد تأکید قرار داده‌اند. مصادیق ورود اختیاری عبارتند از ورود با موافقت قبلی، ورود به سبب مشکلات مالی و خانوادگی و مصادیق ورود اجباری شامل ورود با فریب و ورود در حالت ناهشیاری است که هر کدام دارای مصادیق دیگر هم هستند.

منوچهری و همکاران (1387) در رابطه با میزان و انواع سوء رفتار خانگی با سالمندان مراجعه‌کننده به پارک‌های شهر تهران تحقیق نمودند. یافته‌ها نشان دادند که 87/8 درصد از نمونه‌های پژوهش، حداقل یک نوع از سوء رفتار و 24/9 درصد از نمونه‌ها تجربه هم زمان هر چهار نوع سوء رفتار را داشته‌اند. 84/8 درصد از نمونه‌های پژوهش، تجربه سوء رفتار عاطفی، 68/3 درصد تجربه غفلت، 40/1 درصد تجربه سوء رفتار مالی و 35/2 درصد از نمونه‌ها تجربه سوء رفتار جسمی را عنوان نمودند.

سام‌آرام و یزدان‌پور (1389) عوامل مرتبط با کیفیت زندگی سالمندان شهرستان خمین را مورد بررسی قرار داده‌اند. بر این اساس، میزان تعلق سالمند به خانواده‌اش و میزان احترام وی با میزان کیفیت زندگی او ارتباط دارد. همچنین رابطه بین سن، جنس، وضعیت تأهل، سواد، وضعیت تملک مسکن و میزان ارتباط با اعضای خانواده با کیفیت زندگی سالمند مرتبط است.

تاج‌مزیانی و همکارانش (1390) پژوهشی انجام داده‌اند که به لحاظ بررسی مطروودیت، با مقاله حاضر مشترک است اما به طبقات سنی جوانان پرداخته است. این پژوهش با عنوان تحلیل چند سطحی مطروودیت جوانان انجام شده است. و اطلاعات بر اساس چارچوبی معین و ملاک‌هایی مشخص در

¹ Provision of Care

² Sample of Anonimised Records

³ Jehoel-Gijsbers

⁴ Vrooman

ولی مهم‌ترین اشکال در این شیوه اعتبار و تعمیم‌دهی آن است که به راحتی امکان‌پذیر نیست.

بر این اساس با توجه به نبود پژوهشی درباره مطروdit اجتماعی سالمندان در ایران و همچنین انجام تحقیقات خارجی به روش کیفی، سعی می‌شود این مقاله به نحوی انجام شود که بتواند تا حد امکان جای خالی این بعد از مسأله سالمندان را در میان تحقیقات پر کند و کاستی‌های سایر پژوهش‌ها را رفع کند و یا به حداقل برساند.

مبانی و چارچوب نظری

در میان نظریات جامعه‌شناسی نظریه‌های خاصی که صرفاً در حوزه مطروdit اجتماعی سالمندان بحث کند وجود ندارد. آن چه در این رابطه به دست آمده است نظریاتی است که هر کدام جداگانه درباره سالمندی و یا مطروdit اجتماعی سخن گفته‌اند.

دانشمندان، سالمندی را از دیدگاه‌های متفاوتی بررسی کرده‌اند و نظریه‌های مختلفی در این رابطه ارائه نموده‌اند. گروهی نظریه خود را بر اساس جنبه‌های پزشکی و فیزیولوژی و پاتولوژی عنوان کرده‌اند. تصور این است که عامل ارث می‌تواند تأثیر قاطعی در طول عمر انسان داشته باشد چرا که در برخی خانواده‌ها طول عمر افراد بیشتر از خانواده‌های دیگر است؛ نظریه‌های زیست‌شناختی پیری با دید انتقادی به این قضیه می‌نگرند.

این نظریه‌ها شامل اختلال در کنش دستگاه ایمنی بدن، پیر شدن سلولی، تغییرات سیستم غدد داخلی، نظریه توارثی، فرسودگی و نظریه مواد زائد می‌شود.

رویکرد عمده دیگر درباره سالمندی، رویکردهای جامعه‌شناختی است که به نقش عوامل اجتماعی در پدیدار شدن سالمندی روند اجتماعی سالمندی، نوع نگاه جامعه به سالمند و همچنین نقش اجتماعی در حمایت از سالمندان و مانند این‌ها توجه دارند (نیازی و بابایی‌فرد، ۱۳۹۰: ۶۸). این نظریات به

موهلی^۱ (۲۰۱۰) تنش‌های نهادی و تخصصی (حرفه‌ای) را در مراقبت از سالمندان سوئدی بررسی کرده است. این پژوهش با استفاده از رویکردهای ارتباطی، نیازهای ضروری و وضعیت محیط مراقبت از سالمندان را در مرکز سالمندان و خانه مطالعه کرده است یازده مصاحبه با کارمندان اداره رفاه و سازمان مراقبت معلولان انجام شده و داده‌ها تحلیل ثانویه شده‌اند و در نهایت، چهار ویژگی در این اداره پیدا شده که شامل حق سالمندی، زندگی در خانه، ارتباط خوب، شغف و خوشحالی است. می‌توان گفت این اداره از رویکردهای متفاوت و دوگانه استفاده کرده است و مهارت و تخصص نیز بسیار ناآگاهانه و بدون تأثیر پذیرفتن از تکنیک و استراتژی مراقبت، اعمال شده است.

به طور کلی در داخل کشور پژوهش‌های بسیاری در ارتباط با سالمندان انجام شده است. هر چند این پژوهش‌ها متفاوت و متنوع به نظر می‌رسد (همچون علل و انگیزه‌های اقامت در سرای سالمندان، مقایسه وضعیت سالمندان ساکن سراها و خانه‌ها از دیدگاه‌های مختلف، کیفیت زندگی سالمندان، تجارب سالمندان مقیم‌سراها، مطالعه تطبیقی وضعیت سالمندان در گذشته و حال و...) اما اکثر این تحقیقات تکراری است و تنها تمایزشان، تفاوت در استان یا شهر مورد بررسی و یا محل استقرار سالمندان است و همه آنها ضرورت علمی ندارند. از پژوهش‌ها یا مقاله‌های در دسترس نیز مقاله‌ای در رابطه با مطروdit اجتماعی سالمندان یافت نشد و تنها چند پژوهش داخلی به مسأله مطروdit به تنهایی به عنوان مسأله‌ای اجتماعی پرداخته‌اند.

در پژوهش‌های خارجی نیز کارهای متعددی انجام شده که به مسائل مرتبط با سالمندی چون پرداخت‌های مستمری، بیمه‌های تکمیلی، تجربه زندگی سالمندان و ... پرداخته است. این پژوهش‌ها از تحلیل ثانویه و به طور کلی از روش کیفی استفاده کرده‌اند. هر چند پژوهش کیفی ویژگی‌های مثبتی دارد

¹ Muhli

مارشال، به گروه‌هایی اشاره می‌کند که می‌توانند از طریق انسداد اجتماعی برتری‌شان را به هزینه‌هایی که متفاوت با اعضای آنها هستند، تأمین و حفظ کنند. ایده اصلی رویکردهای فرهنگی مثل نظریه طبقه پایین از مورای^۳ (۱۹۹۴) این است که مطروودیت باید در ایستارها و رفتارها و سبک زندگی فرد طرد شده ریشه‌یابی شود. برعکس، طرفداران رویکردهای ساختاری همچون موریس^۴ (۱۹۹۴) بر عوامل ساختاری مثل بازار کار که سبب محرومیت گروه‌های خاص از امتیازات متوسط یک جامعه می‌شود تأکید دارند (تاج‌مزیانی، ۲۰۱۰: ۲).

از نظر سیلور^۵ (۱۹۹۴) تعریف و علت مطروودیت اجتماعی و به تبع آن، رویکردها و مقیاس‌ها برای جلوگیری و یا خنثی کردن مطروودیت اجتماعی، به وسیله فرهنگ سیاسی غالب تعیین می‌شود. گونه‌شناسی سه گانه او از مطروودیت اجتماعی شامل همبستگی، تخصصی کردن و انحصار، بر مبنای رویکردهای تئوریک، ایدئولوژی‌های سیاسی و مباحث ملی مختلف قرار دارد. او همچنین در مقاله خود گونه چهارمی را به عنوان پارادایم ارگانیک مشخص می‌کند (تئوبالد^۶، ۲۰۰۵: ۹).

نظریه‌پردازی چون کرونر^۷ (۱۹۹۷) به ابعاد مختلف مطروودیت پرداخته است. مطروودیت اقتصادی مثل مشارکت در بازار کار و استاندارد کافی زندگی، مطروودیت نهادی مثل دسترسی به نهادهای عمومی، مطروودیت فرهنگی مثل انتظارات از گروه‌های خاص در جامعه، مطروودیت اجتماعی مثل عدم وجود ارتباطات اجتماعی و مطروودیت فضایی مثل جدایی محلی حوزه زندگی (تئوبالد، ۲۰۰۵: ۷). گروهی دیگر نیز مطروودیت اجتماعی را شامل پنج بعد می‌دانند: مطروودیت از منابع مادی، مطروودیت از روابط اجتماعی، مطروودیت از فعالیت‌های مدنی، مطروودیت از خدمات اساسی و مطروودیت

نظریه‌های عدم مشارکت، فعالیت، مبادله، محیط اجتماعی، نظریه تداوم و نظریه تضاد اشاره می‌کنند.

نظریه عدم مشارکت یا عدم تعهد به این امر اشاره دارد که غیرقابل اجتناب بودن مرگ، فرد را وادار می‌کند که بخش مهمی از نقش‌های اجتماعی خویش را ترک کند. این نقش‌ها می‌تواند شامل کار کردن، خدمات داوطلبانه، همسر بودن، کارهای تفریحی و حتی خواندن مطالب باشد (علیخانی، ۱۳۸۱: ۴۳). نظریه فعالیت بیان می‌کند که شهروندان سالمند تنها وقتی احساس رضایت می‌کنند که بتوانند از دید جامعه، به‌ویژه از طریق کار با مزد، مفید و مولد باشند (حسین‌زاده و همکاران، ۱۳۸۶، نقل از نیازی و بابایی‌فرد، ۱۳۹۰: ۷۸). در نظریه مبادله بیان می‌شود که روابط و عمل متقابل اجتماعی میان افراد وقتی به گونه‌ای کامل مطرح می‌شود که تمامی شرکت‌کنندگان در آن احساس کنند از روابط میان خود سود می‌برند (علیخانی، ۱۳۸۱: ۴۵). نظریه محیط اجتماعی به عواملی چون سلامتی، اوضاع مالی و پشتیبانی اجتماعی که بر سطح فعالیت فرد مسن تأثیر می‌گذارد اشاره می‌کند (نیازی و بابایی‌فرد، ۱۳۹۰: ۷۹). در مقابل نظریه محیط اجتماعی، نظریه تداوم بیان می‌کند که آخرین مرحله زندگی دنباله مراحل قبلی است. موقعیت‌های اجتماعی می‌تواند معرف نوعی عدم پیوستگی باشد اما سازگاری و سبک زندگی به طور اساسی از طریق سبک‌ها، عادات و ذوق‌هایی که در تمام طول زندگی کسب شده است، تعیین می‌شود (بروکمن^۱، ۱۹۷۷، نقل از همان: ۸۰). نظریه تضاد نیز مانند سایر نظریه‌ها به نقد نظریه عدم تعهد و فعالیت می‌پردازد. این نظریه بیان می‌کند که این دیدگاه‌ها اغلب تأثیر طبقه اجتماعی را در زندگی سالمندی نادیده گرفته‌اند. موقعیت ممتاز طبقه بالا به طور معمول سبب می‌شود سلامت و انرژی آنها بهتر باشد و علایم پیری، دیرتر در آنها ظاهر گردد (محسنی تیریزی، ۱۳۷۹، نقل از نیازی و بابایی‌فرد، ۱۳۹۰: ۸۱).

در رابطه با نظریات مربوط به مطروودیت اجتماعی باید گفت گرب^۲ با استفاده از نظریه‌های وبر، دورکیم، مرتون و

³ Murray

⁴ Morris

⁵ Silver

⁶ Theobald

⁷ Kroner

¹ Brukman

² Gereb

توجه به اهمیت نقش سالمندان و ویژگی‌ها و خصوصیات فردی آنها، ابعاد عنوان شده در سطح فردی و خانوادگی در مبانی نظری، در این پژوهش در سطح فردی و شخصیتی خود سالمندان سنجیده خواهد شد. این ابعاد شامل جنسیت، سرمایه فرهنگی، پایگاه اقتصادی-اجتماعی و جهت‌گیری ارزشی است.

جنسیت: نظریه پردازان فمینیستی در رابطه با جنسیت اعتقاد دارند که مردان و زنان به شیوه‌های بنیادی با یکدیگر تفاوت دارند و در اندیشیدن، احساس، ارتباط با دیگران و جهان اجتماعی به گونه‌ای متفاوت عمل می‌کنند. زندگی‌های زنان نیز به دلیل تجربه مشترک سلطه‌پذیری تحت نظام مردسالاری با هم مشترک است. آنها دارای تجربه‌ها، ارزش‌ها و علائق مشترک هستند. با توجه به این مطالب می‌توان جنسیت را به عنوان یکی از متغیرهای تأثیرگذار در کنارگذاری و مطروdit اجتماعی افراد محسوب کرد. در سنین پیری، تعداد زنان سالمند بیش از مردان است زیرا نرخ مرگ و میر مردان بالاتر است. در سال ۲۰۰۵، زنان ۴۹ درصد جمعیت ۰ تا ۲۴ ساله، ۵۰ درصد جمعیت ۲۵ تا ۴۶ ساله، ۵۳ درصد جمعیت ۶۵ تا ۷۴ ساله، ۵۹ درصد جمعیت ۷۵ تا ۸۴ ساله و ۷۰ درصد جمعیت بالای ۸۵ سال را تشکیل می‌دادند (الکاک^۲ و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۹۲).

سرمایه فرهنگی: بر اساس نظریه باز تولید فرهنگی، طبقه اقتصادی بالای جامعه می‌کوشد تا برتری خود را بر بقیه اقشار جامعه، علاوه بر طرق مختلف اجتماعی از طریق متمایز کردن فرهنگ خود از سایر مردم حفظ نماید. بدین ترتیب مفهوم سرمایه فرهنگی و ابعاد سه گانه آن در کانون توجه این نظریه قرار دارد. بوردیو^۳ اعتقاد دارد افراد و خانواده‌ها را می‌توان از لحاظ سرمایه فرهنگی آنها مقایسه کرد (شارع‌پور و خوش‌فر، ۱۳۸۱: ۱۳۵). به اعتقاد بوردیو، نمی‌توان ساختار و کارکرد جهان اجتماعی را تبیین کرد مگر این که مفهوم سرمایه را در تمامی اشکال آن و نه صرفاً در شکل اقتصادی آن به جهان معرفی

همسایگی که هر بعد دارای اجزای چند گانه‌ای است (اسکارف و همکاران^۱، ۲۰۰۱: ۵).

الگوی چند سطحی تبیین مطروdit اجتماعی تاج‌مزینانی، عناصر تبیینی و همخوان نظریات مختلف را در قالب یک الگوی واحد جمع‌بندی نموده است. بر اساس این الگو عواملی را که به مطروdit اجتماعی منجر می‌شوند، می‌توان در پنج سطح فردی، خانوادگی، محله‌ای، ملی و بین‌المللی شناسایی و تقسیم کرد این عوامل به صورت سلسله مراتبی و تعاملی سبب می‌شوند که افراد دچار مطروdit شوند و نتوانند از آن چه به طور معمول در اختیار متوسط افراد جامعه قرار دارد بهره‌مند شوند (تاج‌مزینانی، ۱۳۹۰: ۵۸۵). به عبارت دیگر در این الگو، تلفیقی از نظریات جامعه‌شناختی سالمندی و نظریات مطروdit اجتماعی بیان می‌شود. جنسیت، قومیت، سرمایه فرهنگی در سطح فردی؛ پایگاه اقتصادی-اجتماعی، محیط و جو خانواده، جهت‌گیری ارزشی خانواده، ساختار خانواده در سطح خانوادگی؛ منطقه جغرافیایی، سطح توسعه یافتگی محل زندگی در سطح محله‌ای؛ تغییرات جمعیت‌شناختی، بازار کار، نظام آموزشی، ایدئولوژی سیاسی، نظام دادرسی، نظام رفاهی در سطح ملی و بحران‌های منطقه‌ای و جهانی، تحریم‌های جهانی و جهانی شدن در سطح بین‌المللی قرار می‌گیرد (تاج‌مزینانی، ۱۳۹۰). به عنوان مثال انتخاب متغیرهایی چون سرمایه فرهنگی، پایگاه اقتصادی-اجتماعی و یا جهت‌گیری ارزشی با توجه به نوع شاخص‌ها و مؤلفه‌هایی که برایشان در نظر گرفته شده است با نظریات فعالیت، عدم مشارکت یا تعهد، محیط اجتماعی، تضاد و تداوم ارتباط پیدا می‌کند.

این الگو به عنوان چارچوب نظری تحقیق در نظر گرفته شده است اما به علت میدان تحقیق (شهر ورامین)، سطح ملی و بین‌المللی قابل بررسی نیست و از سوی دیگر به علت انتخاب منطقه شهری امکان مطالعه شکاف بین شهر و روستا و یا مقایسه سطح توسعه یافتگی وجود ندارد. به طور کلی با

² Alcoc

³ Bourdieu

¹ Scharf

کرد (فکوهی، 1381؛ نقل از روحانی، 1388: 15). بنابراین رفتارها، نگرش‌ها، الگوی مصرف و... در زندگی فرد سالمند بسیار اهمیت دارد. سرمایه فرهنگی نه تنها در میزان فرسودگی و ضعف و ناتوانی بلکه در میزان مشارکت و تعاملات اجتماعی او نیز تأثیرگذار است.

پایگاه اجتماعی¹ اقتصادی: "مارکس¹ بر این باور بود که قدرت و اعتبار اجتماعی افراد نشأت گرفته از موقعیت اقتصادی آنهاست. از این رو دلیلی نمی‌دید که آنها را به عنوان علل و ابعاد جداگانه نابرابری اجتماعی مورد مطالعه قرار دهد. ماکس وبر² با تشخیص این نکته که قشربندی در جوامع صنعتی مشخصاً پیوسته و هماهنگ نیست، با این نظر مارکس مخالف بود. در نزد وی فردی ممکن است در یکی از ابعاد نابرابری اجتماعی موقعیتی برتر داشته باشد اما در ابعاد دیگر در موقعیت پایینی قرار گیرد. مثلاً مقامات رسمی بروکراتیک ممکن است قدرت زیادی داشته اما از ثروت و اعتبار اجتماعی ناچیزی برخوردار باشند» (عضدانلو، 1384: 148).

جامعه‌شناسان اغلب مفهوم پایگاه اقتصادی- اجتماعی را برای اشاره به آنچه وبر در نظر داشت استفاده می‌کنند. پایگاه اقتصادی- اجتماعی بالای سالمندان این امکان را برای آنها فراهم می‌سازد تا بتوانند راحت‌تر دوران پیری خود را سپری کنند. به عنوان مثال داشتن توانایی مالی سبب می‌شود برای خویش پرستار بگیرند و یا نیازهای دارویی و درمانی خود را برطرف کنند. از سوی دیگر، اگر دارای تحصیلات و موقعیت اجتماعی بالا باشند می‌توانند ارتباط خود را با وجود پیری با اقوام، گروه سنی جوان و سایرین حفظ کنند و به جای طرد اجتماعی، مداخله اجتماعی داشته باشند.

جهت‌گیری ارزشی: جهت‌گیری ارزشی، اصول درست یا نادرستی است که افراد آنها را می‌پذیرند و یا رد می‌کنند. گاهی اوقات پذیرش نوعی خاص از دیدگاه‌ها و نگرش‌ها سبب می‌شود که سبک زندگی افراد تغییر کند و یا دچار مشکلی چون طرد اجتماعی شوند. یکی از این دیدگاه‌ها که

در این پژوهش مورد توجه قرار گرفته است، بحث نوگرایی و یا سنت‌گرایی است. افراد ممکن است با تغییر و به سمت توسعه پیش رفتن جوامع، به نوگرایی روی آورند و یا این‌که همچنان سنت‌گرا باقی بمانند. دلیل مقاومت در برابر نوآوری‌ها و بدبینی نسبت به آن، بیشتر گرایش تقدیرگرایانه در جوامع توسعه نیافته تلقی شده است. به عبارت دیگر در متون مربوط به توسعه‌یافتگی، متفکران نظریه‌نوسازی دو جامعه سنتی و نو را دو قطب انگاشته‌اند. اینکلس در تحلیل جامعه مدرن معتقد است ضمن این‌که کلیت جامعه از جهت ساختار پویا و نو است، عناصر فرهنگی و انسانی آن نیز مدرن شده است. برای انسان در این فرهنگ و جامعه، زمان با اهمیت است و همه امور رو به سوی آینده دارد. در حالی که در جامعه سنتی، انسان به گذشته می‌اندیشد و زمان حال را نیز بر اساس گذشته تفسیر می‌کند (اینکلس، 1966³، نقل از آزاد ارمکی، 1376: 2).

فرضیات تحقیق

- بین جنسیت و عدم مطروودیت اجتماعی سالمندان شهر ورامین رابطه معنادار وجود دارد.
- بین سرمایه فرهنگی و عدم مطروودیت اجتماعی سالمندان شهر ورامین رابطه معنادار وجود دارد.
- بین پایگاه اقتصادی- اجتماعی و عدم مطروودیت اجتماعی سالمندان شهر ورامین رابطه معنادار وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین جهت‌گیری ارزشی و عدم مطروودیت اجتماعی سالمندان شهر ورامین رابطه معنادار وجود دارد.

روش‌شناسی

در این تحقیق از روش پیمایش استفاده شده است. جامعه آماری این تحقیق کلیه سالمندان 60 سال به بالای شهر ورامین (غیر مقیم در سراهای سالمند) به تعداد کل 24406 نفر است که تعداد 378 نفر از طریق فرمول کوکران عنوان نمونه

¹ Marx

² Weber

³ Enkels

دارند می توان گفت که از پایایی بالایی برخوردار هستند و نتایج، قابل تعمیم به کل جامعه آماری است.

در پرسشنامه های محقق ساخت لازم است تعاریف عملیاتی به همراه شاخص ها و گویه های مورد استفاده بیان شوند. تعریف عملیاتی به تعریفی اطلاق می شود که از طریق آن، مفهوم با استفاده از شاخص هایی که برای اندازه گیری آن به کار برده می شود، تعریف می شود (دلور، ۱۳۹۰: ۵۵).

مطروdit اجتماعی

لویتاس و همکاران (۲۰۰۷) مفهوم مطروdit را بدین شرح تعریف می کنند: «فرایندی پیچیده و چند بعدی که شامل نداشتن یا محروم سازی از منابع، حقوق، کالاها و خدمات و قادر نبودن بر مشارکت در روابط و فعالیت های معمولی می شود که برای اکثریت افراد یک جامعه در دسترس است» (تاج مزینانی، ۱۳۹۰: ۵۸۴). مطروdit اجتماعی دارای چهار بعد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است.

الف - بعد اقتصادی

بعد اقتصادی یکی از جنبه های کلیدی و ملموس مطروdit است. مطروdit اقتصادی ناتوانی در مشارکت در کسب مشاغل است که درآمد کافی را برای برآوردن نیازهای ابتدایی سالمند به وی می دهد. این بعد به سؤال هایی چون درآمد، تولید، دسترسی به کالاها و خدمات و بازار کار و شغل مربوط می شود (یکلام، ۲۰۱۲: ۶).

در این پژوهش این بعد از طریق سؤال درباره درآمد کافی داشتن برای برآوردن احتیاجات، امکان پیدا کردن کار مناسب در صورت تمایل داشتن و دریافت وام در صورت نیازمند بودن سنجیده شد.

ب - بعد سیاسی

مطروdit سیاسی فقدان دسترسی به منابع قدرت و ناتوانی در مشارکت معنادار در فرایندهای تصمیم گیری فراتر از سطح

انتخاب شدند. نحوه محاسبه تعیین حجم نمونه به شرح ذیل است:

جمعیت یا جامعه آماری $N =$

حجم نمونه $n =$

(ضریب اطمینان ۹۵ درصد) $t = 1.96$

(احتمال وجود صفت معین در نمونه) $P = 0.5$

(دقت احتمالی مطلوب یا نصف فاصله اطمینان) $d = 0.05$

(احتمال عدم وجود صفت معینی در نمونه) $q = 0.5$

$N = 24406$

$p = 0.5, t = 1.96, d = 0.05, q = 0.5$

$$n = \frac{Nt^2 pq}{Nd^2 + t^2 pq}$$

$$n = \frac{24406 \times (1.96)^2 \times 0.5 \times 0.5}{24406 \times (0.05)^2 + (1.96)^2 \times 0.5 \times 0.5} = \frac{23439.522}{61.9754} = 378/2$$

نمونه گیری به صورت تصادفی طبقه بندی شده است. در نمونه گیری طبقه بندی شده جامعه به خرده گروه هایی به نام طبقه تقسیم می شود و نمونه های مستقل از هر طبقه انتخاب می شوند (بیکر، ۱۳۸۶: ۹۵). برای مثال در این پژوهش که جنسیت به عنوان یک متغیر مستقل در نظر گرفته شده است، نسبت سالمندان مذکر و مؤنث باید به همان نسبتی که در جامعه وجود دارد، تعیین شود. در جامعه مورد نظر ۱۲۰۷۲ نفر (۴۹/۴۶ درصد) سالمند مؤنث و ۱۲۳۳۴ نفر (۵۰/۵۳) سالمند مذکر وجود دارد. از آنجا که تعداد سالمندان مذکر و مؤنث به یکدیگر نزدیک است، از هر طبقه به نسبت مساوی در نمونه انتخاب گردید.

اطلاعات از طریق پرسشنامه محقق ساخت جمع آوری گردید. برای تجزیه و تحلیل داده ها از نرم افزار Spss و آمارهای توصیفی و استنباطی استفاده شد. واحد تحلیل در این مطالعه فرد سالمند و سطح تحلیل خرد است. برای سنجش اعتبار و پایایی تحقیق نیز از اعتبار محتوا و ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. میزان آلفای کرونباخ در متغیر مطروdit اجتماعی ۰/۸۰ و برای متغیر جهت گیری ارزشی ۰/۹۴ به دست آمد؛ از آنجا که هر دو متغیر آلفایی بالای ۰/۷

¹Yekklam

(اسکارف و همکاران، ۲۰۰۱: ۷).

در این پژوهش این بعد از طریق سؤال درباره شرکت کردن سالمند در جشن‌ها و هیئت‌های مذهبی، مسجد رفتن و شرکت در مراسم و برنامه‌های مربوط به مسجد سنجیده شد.

جنسیت

در این پژوهش جنسیت افراد به این صورت پرسیده شده است: جنسیت: مرد... زن...

سرمایه فرهنگی

در این پژوهش، سرمایه فرهنگی به عنوان متغیری مورد توجه قرار می‌گیرد که با سنجش ابعاد دو گانه آن به صورت یک شاخص ترکیبی درآمده است. این شاخص ترکیبی شامل میزان مصرف کالاهای فرهنگی به طور عینی و مدارج تحصیلی فرد می‌شود (شارع‌پور و خوش‌فر، ۱۳۸۱: ۱۳۷).

الف - سرمایه فرهنگی عینیت یافته^۲

این بعد از سرمایه فرهنگی که به مصرف کالاها اشاره دارد با این سؤال سنجیده شد که سالمندان چه میزان کالاهای فرهنگی چون کتاب، روزنامه و کامپیوتر را مورد استفاده قرار می‌دهند.

ب - سرمایه فرهنگی نهادی شده^۳

این بعد از سرمایه فرهنگی با سؤال درباره میزان تحصیلات که برای سنجش پایگاه اقتصادی-اجتماعی هم در نظر گرفته شده است سنجیده شد.

پایگاه اقتصادی-اجتماعی

متغیرهای اصلی تعیین کننده جایگاه یک فرد در جامعه، تحصیلات، درآمد و شغل هستند. این موارد به طور عمده به مفهوم وبر از منزلت اجتماعی مرتبط هستند و سه فاکتور

خانواده تعریف شده است. این بعد بخش مهمی در کشورهای در حال توسعه به شمار می‌آید و با موضوع حق شهروندی، دسترسی و لذت از این حقوق شناخته می‌شود. برنامه توسعه اتحادیه اروپا^۱ اشاره می‌کند که این حقوق شامل امنیت شخصی، آزادی بیان، مشارکت سیاسی و برابری فرصت‌ها می‌شود (یکالام، ۲۰۱۲: ۶).

در این پژوهش بعد سیاسی از طریق سؤال درباره شرکت کردن در انتخابات، یکسان دانستن قوانین برای همه اعضای جامعه و دفاع از حق در صورت ضایع شدن؛ با مراجعه به مراکز قانونی سنجیده شد.

ج- بعد اجتماعی

باهاالا و لاپیر، سه مقوله مهم را از جنبه اجتماعی مطروودیت بیان می‌کنند که شامل محدودیت دسترسی به خدمات اجتماعی (سلامت و تحصیل)، دسترسی به بازار کار و فرصت برای مشارکت اجتماعی و نهایتاً روابط میان افراد، دولت و شهروندان می‌شود. به طور خلاصه این بعد بر محرومیت از پیوندهای اجتماعی خانواده، دوستان و همسایگان و میزان اعتماد و امنیت در مرحله پایانی زندگی اشاره می‌کند (یکالام، ۲۰۱۲: ۷).

در این پژوهش این بعد از طریق سؤال درباره ارتباط سالمند با خانواده (کمک مالی خانواده، تسلی خاطر دادن در وقت ناراحتی، حامی بودن در وقت بیماری و یادآوری زمان خوردن داروها توسط آنها)، ارتباط با خویشاوندان (شرکت در جشن‌ها و مراسم فامیل)، ارتباط با دوستان (ملاقات آنها در خارج از منزل)، اعتماد به همسایگان و احساس امنیت در وقت تنهایی سنجیده شد.

د - بعد فرهنگی

بر اساس کار ایواندرو، در زمینه مطروودیت از فعالیت‌های فرهنگی، معیارهای شرکت در اجتماعات مذهبی، گروه‌های اجتماعی و فعالیت‌های مدنی مورد ارزیابی قرار گرفته است

² objectified

³ institutionalized

¹ UNDP

بیکار یا در جست و جوی کار و خانه‌دار نیز برای کسانی که بیکار هستند و خانم‌هایی که مشغول به کار نیستند اضافه شد. لازم به ذکر است که در سؤال، عنوان شد در صورت بازنشسته بودن عنوان شغل قبلی ذکر شود.

جهت‌گیری ارزشی

با توجه به نظریات پژوهش، برای سنجش جهت‌گیری ارزشی از دو بعد تقدیرگرایی و تدبیرگرایی استفاده شد.

الف - تقدیرگرایی

برای سنجش این بعد، از سالمند خواسته شد که پاسخ دهد چقدر با این گویه‌ها موافق یا مخالف است: سرنوشت هرکسی از قبل تعیین شده است و نمی‌توان آن را تغییر داد و روزی و قسمت ما از زندگی همین است که الان داریم.

ب - تدبیرگرایی

برای سنجش این بعد این سؤال مطرح شد که سالمند چقدر با این گویه‌ها موافق یا مخالف است: تنها عامل موفقیت و خوشبختی هر کسی سعی و تلاش خود اوست و سرنوشت در این میان نقشی ندارد. اعتقاد به سرنوشت یک اعتقاد خرافی است.

یافته‌های پژوهش

۱- توصیف مشخصه‌های جمعیتی پاسخگویان

تعیین کننده پایگاه اقتصادی-اجتماعی به شمار می‌روند (پرستون و توپمن^۱، ۱۹۹۴؛ نقل از سیف‌زاده، ۱۳۸۶: ۹۰). در این پژوهش مؤلفه‌های پایگاه اقتصادی-اجتماعی، یعنی تحصیلات، درآمد و شغل در نظر گرفته شده‌اند.

الف - تحصیلات

انتقال دانش، مهارت‌های شغلی، هنجارهای فرهنگی و ارزش‌های اجتماعی را از نسلی به نسل دیگر که تحت هدایت و نظارت معلمان، دبیران و استادان دوره دیده صورت می‌گیرد تحصیلات می‌گویند (عضدانلو، ۱۳۸۸: ۱۷۸). در این پژوهش تحصیلات از طریق گزینه‌های بیسواد، سواد قرآنی، ابتدایی، راهنمایی، دبیرستان، دیپلم و تحصیلات دانشگاهی سنجیده شد.

ب - درآمد

به اجرت یا دستمزد شغلی و حرفه‌ای و یا سود حاصل شده از سرمایه‌گذاری، درآمد می‌گویند (عضدانلو، ۱۳۸۸: ۲۹۵). در این مطالعه میزان درآمد از طریق سؤالی که دارای گزینه‌های زیر بود سنجیده شد: زیر ۱۰۰ هزار تومان، ۱۰۱ تا ۲۰۰ هزار تومان، ۲۰۱ تا ۳۰۰ هزار تومان، ۳۰۱ تا ۴۰۰ هزار تومان، ۴۰۱ تا ۶۰۰ هزار تومان، ۶۰۱ تا ۸۰۰ هزار تومان، ۸۰۱ تا یک میلیون تومان و یک میلیون تومان به بالا.

ج - شغل

بنا به تعریف وزارت بهداشت، هر فعالیت فکری یا بدنی که قانوناً مجاز باشد و به منظور کسب درآمد (نقدی یا غیرنقدی) صورت گیرد شغل نامیده می‌شود (سیف‌زاده، ۱۳۸۱: ۹۱). در این مطالعه نوع فعالیت سالمند از طریق تقسیم‌بندی صاحبان مشاغل شامل قانون‌گذاران و مقامات عالی رتبه، متخصصان، تکنسین‌ها و دستیاران، کارمندان امور اداری و دفتری، کارکنان خدماتی و فروشندگان، کارکنان ماهر کشاورزی، جنگلداری و ماهیگیری و... سنجیده شد. دو گزینه

¹ Preston and Taubman

جدول ۱- مشخصه‌های جمعیتی پاسخگویان

مرد	زن	درصد	مرد	زن	درصد	مرد	زن	درصد
درصد	درصد	متغیر	درصد	درصد	متغیر	درصد	درصد	متغیر
۲,۱	۰,۵	متخصصان	۳۵,۴	۲۹,۶	۶۰-۶۴			
۳,۲	۱,۶	تکنسین‌ها و دستیاران	۲۸,۰	۲۳,۸	۶۵-۶۹			
۴۶,۰	۱۹,۶	کارمندان امور اداری و دفتری	۱۵,۳	۱۵,۹	۷۰-۷۴			گروه سنی
۲۰,۶	۴,۸	کارکنان خدماتی و فروشندگان	۱۳,۸	۱۵,۹	۷۵-۷۹			
۶,۳	۲,۱	کارکنان ماهر کشاورزی، جنگلداری	۳,۷	۱۰,۱	۸۰-۸۴			
			۳,۷	۴,۸	۸۵ به بالا			
۳,۷	۰,۰	صنعتگران	۰,۰	۰,۰	هرگز ازدواج نکرده			
					متأهل			وضعیت تأهل
۶,۳	۰,۰	موناژکاران و رانندگان	۸۱,۰	۵۴,۰	طلاق گرفته			
۱۱,۶	۱,۱	کارگران ساده	۱,۱	۵,۳	بیوه			
۰,۰	۷۰,۴	خانه‌دار	۱۸,۰	۴۰,۲	بیسواد			
۱,۱	۲,۶	۱۰۱ تا ۲۰۰ هزار	۲۸,۰	۴۲,۹	قرآنی			
۲,۶	۵,۳	۲۰۱ تا ۳۰۰ هزار	۰,۵	۴,۲	ابتدایی			
۱,۶	۷,۴	۳۰۱ تا ۴۰۰ هزار	۱۳,۸	۲۳,۳	راهنمایی			
۱۹,۶	۲۸,۶	۴۰۱ تا ۶۰۰ هزار	۶,۳	۴,۲	دیپلم			تحصیلات
۴۱,۸	۲۴,۳	۶۰۱ تا ۸۰۰ هزار	۱۰,۸	۲,۱	دیپلم			
۱۸,۰	۱۵,۳	۸۰۱ تا ۱ میلیون	۲۴,۳	۱۵,۹	تحصیلات دانشگاهی			
۱۵,۳	۱۶,۴	۱ میلیون تومان به بالا	۱۶,۴	۷,۴				
					۳۷۸			نمونه

تعداد زنان و مردان در سه گروه سنی با هم تفاوت قابل توجهی دارند؛ در گروه سنی ۶۰-۶۴ سال تعداد مردان نزدیک به ۶٪ و در گروه سنی ۶۵-۶۹ سال ۴,۲٪ بیشتر از زنان است. بر عکس در گروه سنی ۸۰-۸۴ سال تعداد زنان ۶,۴٪ بیشتر از مردان است. در سایر گروه‌های سنی تعداد زنان و مردان به هم نزدیک است. بیشترین درصد متأهلان با ۸۱٪ به مردان و بیشترین درصد بیوه‌ها با ۴۰٪ به زنان اختصاص دارد. در خصوص تحصیلات ۳۵,۴٪ از کل نمونه (زنان و مردان) بیسواد هستند، ۲,۴٪ سواد قرآنی دارند، ۱۸,۵٪ در مقطع ابتدایی، ۵,۳٪ در مقطع راهنمایی و ۶,۳٪ در مقطع دبیرستان هستند، ۲۰,۱٪ دیپلم دارند و ۱۱,۹٪ هم دارای تحصیلات دانشگاهی هستند.

کارکنان امور اداری و دفتری معرفی نموده‌اند و ۲۰,۶٪ جزء کارکنان خدماتی و فروشندگان هستند. کارگران ساده هم ۱۱,۶٪ از نمونه مردان را تشکیل می‌دهند. در خصوص درآمد پاسخگویان بیشتر زنان (۲۸,۶٪) میزان درآمد خانوار خویش را ۴۰۱ تا ۶۰۰ هزار تومان اعلام کردند و مردان با ۴۱,۸٪، ۶۰۱ تا ۸۰۰ هزار تومان اعلام کردند.

توصیف نگرش‌ها و موقعیت‌های پاسخگویان

الف- توزیع پاسخگویان بر حسب متغیر سرمایه فرهنگی

برای سنجش سرمایه فرهنگی از دو بعد عینیت یافته و نهادی استفاده شد. با در نظر گرفتن نمره‌های کسب شده در هر دو بعد و تقسیم‌بندی آنها، سه گروه بالا، متوسط و پایین به دست آمد و از این طریق، سرمایه فرهنگی سالمندان توصیف شد.

تعداد زنان و مردان در سه گروه سنی با هم تفاوت قابل توجهی دارند؛ در گروه سنی ۶۰-۶۴ سال تعداد مردان نزدیک به ۶٪ و در گروه سنی ۶۵-۶۹ سال ۴,۲٪ بیشتر از زنان است. بر عکس در گروه سنی ۸۰-۸۴ سال تعداد زنان ۶,۴٪ بیشتر از مردان است. در سایر گروه‌های سنی تعداد زنان و مردان به هم نزدیک است. بیشترین درصد متأهلان با ۸۱٪ به مردان و بیشترین درصد بیوه‌ها با ۴۰٪ به زنان اختصاص دارد. در خصوص تحصیلات ۳۵,۴٪ از کل نمونه (زنان و مردان) بیسواد هستند، ۲,۴٪ سواد قرآنی دارند، ۱۸,۵٪ در مقطع ابتدایی، ۵,۳٪ در مقطع راهنمایی و ۶,۳٪ در مقطع دبیرستان هستند، ۲۰,۱٪ دیپلم دارند و ۱۱,۹٪ هم دارای تحصیلات دانشگاهی هستند.

۷۰,۴٪ از زنان خانه‌دار هستند و نزدیک به ۲۰٪ از آنها کارکنان امور اداری و دفتری هستند. ۴۶٪ از مردان خود را از

جدول ۲- توزیع فراوانی متغیر سرمایه فرهنگی بر حسب جنسیت پاسخگویان

سرمایه فرهنگی	زن		مرد		کل جمعیت نمونه	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
پایین	۱۳۶	۷۲,۰	۸۷	۴۶,۰	۲۲۳	۵۹,۰
متوسط	۴۴	۲۳,۳	۸۰	۴۲,۳	۱۲۴	۳۲,۸
بالا	۹	۴,۸	۲۲	۱۱,۶	۳۱	۸,۲
کل	۱۸۹	۱۰۰,۰	۱۸۹	۱۰۰,۰	۳۷۸	۱۰۰,۰

جدول ۲ نشان می‌دهد که نزدیک به ۶۰٪ سالمندان سرمایه فرهنگی پایین، ۳۲٪ سرمایه فرهنگی متوسط و ۸٪ سرمایه فرهنگی بالا دارند. به تفکیک زنان و مردان سالمند درصد سرمایه فرهنگی پایین زنان، بیشتر از مردان است؛ ۷۲٪ از زنان و ۴۶٪ از مردان سرمایه فرهنگی پایین دارند. در مقابل ۱۱,۶٪ مردان سرمایه فرهنگی بالا دارند و تنها ۴,۸٪ از زنان از سرمایه فرهنگی بالایی برخوردارند.

ب- توزیع پاسخگویان بر حسب متغیر پایگاه اقتصادی-اجتماعی
پایگاه اقتصادی-اجتماعی از مجموع سه شاخص تحصیلات، شغل و درآمد به دست آمده است. هر سه در سه طبقه پایین، متوسط و بالا تقسیم‌بندی شده و سپس با ترکیب این معرّفها، متغیر پایگاه اقتصادی-اجتماعی شکل گرفته است.

جدول ۳- توزیع فراوانی متغیر پایگاه اقتصادی-اجتماعی بر حسب جنسیت پاسخگویان

پایگاه اقتصادی-اجتماعی	زن		مرد		کل جمعیت نمونه	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
پایین	۱۳۹	۷۳,۵	۷۸	۴۱,۳	۲۱۷	۵۷,۴
متوسط	۲۱	۱۱,۱	۶۳	۳۳,۳	۸۴	۲۲,۲
بالا	۲۹	۱۵,۳	۴۸	۲۵,۴	۷۷	۲۰,۴
کل	۱۸۹	۱۰۰,۰	۱۸۹	۱۰۰,۰	۳۷۸	۱۰۰,۰

جدول ۳ نشان می‌دهد که ۵۷,۴٪ از سالمندان در پایگاه اقتصادی-اجتماعی پایین، ۲۲,۲٪ در طبقه متوسط و ۲۰,۴٪ در طبقه بالا قرار دارند. اگر از نظر جنسیت، پایگاه اقتصادی-اجتماعی را مقایسه کنیم مشخص می‌شود علیرغم این که بیشترین درصد زنان و مردان سالمند در طبقه پایین قرار دارند اما زنان (۷۳,۵٪) بیشتر از مردان (۴۱,۳٪) در این طبقه قرار گرفته‌اند. از سوی دیگر تعداد مردانی که در طبقه متوسط قرار دارند (۳۳,۳٪) بیشتر از تعداد آنها در طبقه بالاست (۲۵,۴٪).

در حالی که زنان، بیشتر از آن که به طبقه متوسط تعلق داشته باشند (۱۱,۱٪) به طبقه بالا تعلق دارند (۱۵,۳٪).

توزیع پاسخگویان بر حسب متغیر جهت‌گیری ارزشی
برای ساختن این متغیر، ابتدا ابعاد تدبیرگرایی و تقدیرگرایی با هم ترکیب و سپس به سه مقوله پایین، متوسط و بالا تبدیل شده‌اند.

جدول ۴- توزیع فراوانی متغیر جهت‌گیری ارزشی بر حسب جنسیت پاسخگویان

متغیر جهت‌گیری ارزشی	شدت	زن		مرد		کل جمعیت نمونه	
		فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
جهت‌گیری ارزشی	پایین	۱۰۰	۵۲,۹	۷۳	۳۸,۶	۱۷۳	۴۵,۸
	متوسط	۶۰	۳۱,۷	۷۳	۳۸,۶	۱۳۳	۳۵,۲
	بالا	۲۹	۱۵,۳	۴۳	۲۲,۸	۷۲	۱۹,۰
	کل	۱۸۹	۱۰۰,۰	۱۸۹	۱۰۰,۰	۳۷۸	۱۰۰,۰

د- توزیع پاسخگویان بر حسب متغیر مطروذیت اجتماعی

متغیر مطروذیت اجتماعی، شامل ۴ بعد است. برای تشکیل متغیر مطروذیت اجتماعی همه معرف‌ها با هم ترکیب شدند و بعد از رتبه‌بندی در سه مقوله پایین، متوسط و بالا جای داده شدند. بنا بر کدگذاری می‌توان گفت نمونه‌ای که نمره بالا کسب کند و در گروه بالا قرار بگیرد مطروذیت ندارد و نمونه‌ای که نمره پایین کسب کند و در گروه پایین قرار بگیرد دارای مطروذیت است.

جدول ۴ نشان می‌دهد که ۴۵٪ از سالمندان نمره پایین کسب کردند و گرایش بیشتری به تقدیرگرایی دارند، ۳۵٪ آنها نمره متوسط و ۱۹٪ نمره بالا کسب کردند. در رابطه با جهت‌گیری ارزشی متناسب با جنسیت می‌توان گفت که تقدیرگرایی زنان بیش از مردان است زیرا ۵۲٪ زنان جهت‌گیری ارزشی پایین و ۳۱٪ جهت‌گیری متوسط داشته‌اند در حالی که جهت‌گیری ارزشی پایین و متوسط مردان هر کدام ۳۸،۶٪ به دست آمده است.

جدول ۵- توزیع فراوانی متغیر مطروذیت اجتماعی بر حسب جنسیت پاسخگویان

متغیر	شدت	زن		مرد		کل جمعیت نمونه	
		درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
مطروذیت	پایین	۱۴،۸	۹	۴،۸	۳۷	۹،۸	۳۷
اجتماعی	متوسط	۶۸،۸	۱۴۹	۷۸،۸	۲۷۹	۷۳،۸	۲۷۹
	بالا	۱۶،۴	۳۱	۱۶،۴	۶۲	۱۶،۴	۶۲
	کل	۱۰۰،۰	۱۸۹	۱۰۰،۰	۳۷۸	۱۰۰،۰	۳۷۸

اجتماعی آنها بیشتر از مردان است اما همان‌طور که گفته شد، در هر دو جنس بیشترین درصد مطروذیت، به طبقه متوسط و مطروذیت اجتماعی نسبی اختصاص دارد.

با توجه به جدول ۵ می‌توان گفت که ۷۳،۸٪ سالمندان مطروذیت نسبی دارند. مطروذیت اجتماعی زنان و مردان سالمند نیز در حد نسبی است. هر دو از نظر فراوانی در طبقه بالا (نداشتن مطروذیت) یکسان هستند. تفاوت بین زنان و مردان این است که زنان مطروذیت اجتماعی بالاتری نسبت به مردان دارند؛ زیرا زنان ۱۴،۸٪ از گروه پایین و مردان ۴،۸٪ از گروه پایین را تشکیل می‌دهند؛ به عبارت دیگر چون زنان بیشتر از مردان، نمره پایین کسب کردند پس میزان مطروذیت

آزمون فرضیات

الف- آزمون تفاوت میانگین نمره عدم مطروذیت اجتماعی بر حسب متغیر جنسیت

جدول ۶- آزمون تفاوت میانگین نمره عدم مطروذیت اجتماعی بر حسب متغیر جنسیت

متغیر	مقوله	میانگین عدم مطروذیت اجتماعی	آزمون T
جنسیت	زن	۵۱،۸۸	-۲،۱۳
	مرد	۵۴،۰۲	Sig= 0.03

آزمون T، میانگین عدم مطروذیت اجتماعی در بین مردان بیش از زنان بوده و این تفاوت به لحاظ آماری معنادار است؛ بنابراین طرد اجتماعی زنان بیشتر از مردان است.

در جدول فوق، سطح معناداری برابر با ۰،۰۳ است؛ از آن جا که این مقدار پایین‌تر از ۰،۰۵ است نتیجه گرفته می‌شود که تفاوت آماری معنادار در میانگین نمره‌های عدم مطروذیت اجتماعی زنان و مردان وجود دارد. به عبارت دیگر، بر طبق

ب- آزمون رابطه همبستگی بین نمره عدم مطروdit اجتماعی و ارزشی سرمایه فرهنگی، پایگاه اقتصادی- اجتماعی و جهت گیری

جدول ۷- آزمون رابطه همبستگی بین نمره عدم مطروdit اجتماعی و سرمایه فرهنگی، پایگاه اقتصادی- اجتماعی و جهت گیری ارزشی

جهت گیری ارزشی	پایگاه اقتصادی- اجتماعی	سرمایه فرهنگی	آزمون پیرسون
۰,۱۸	۰,۳۳	۰,۳۷	عدم مطروdit پیرسون
۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۰	اجتماعی سطح معناداری

دست آمده است. این بدان معناست که با بالا رفتن میزان هر متغیر، نمره عدم مطروdit هم بالا می رود و با پایین آمدن میزان متغیرها، نمره عدم مطروdit هم پایین می آید.

ج- رگرسیون

نتایج حاصل از ضریب همبستگی پیرسون نشان می دهد که بین عدم مطروdit اجتماعی و سرمایه فرهنگی، پایگاه اقتصادی- اجتماعی و جهت گیری ارزشی، همبستگی معنادار و مستقیمی وجود دارد؛ زیرا سطح معناداری در هر سه متغیر ۰,۰۰ و کمتر از ۰,۰۵ است و آزمون پیرسون نیز مثبت به

جدول ۸- رگرسیون تبیین عدم مطروdit اجتماعی و متغیر جنسیت، سرمایه فرهنگی، پایگاه اقتصادی اجتماعی و جهت گیری ارزشی

متغیر	ضریب Beta	سطح معناداری	Rsquare
جنسیت	۰,۱۱۰	۰,۰۰	۰,۰۱۲
سرمایه فرهنگی	۰,۳۷۳	۰,۰۰	۰,۱۳۹
پایگاه اقتصادی- اجتماعی	۰,۳۳۸	۰,۰۰	۰,۱۴۳
جهت گیری ارزشی	۰,۱۸۱	۰,۰۰	۰,۰۳۳

طرد و بی اعتنایی از سوی خانواده، محیط کار و گروه های اجتماعی قرار می گیرند. از طرف دیگر خصوصیات و ویژگی های فردی درون سالمندان نیز آنها را مستعد طرد شدن از جامعه خواهد کرد. در این پژوهش نویسندگان تلاش نمودند تا متغیرهای تأثیرگذار را بر طرد اجتماعی سالمندان شناسایی نمایند.

آمارها نشان می دهد که بیشترین نمونه تحقیق در گروه سنی ۶۴-۶۰ سال قرار دارند. از نظر تأهل بیشترین گروه را متأهلان و بعد بیوه ها تشکیل می دهند. اکثر آمارها در رابطه با تحصیلات سالمندان، به بیسوادان و در مرتبه بعد، به کسانی که دیپلم دارند اختصاص می یابد. زنان بیشتر خانه دارند و مردان کارمندان امور اداری و دفتری و کارکنان خدماتی و

جدول فوق نشان می دهد که بین همه متغیرهای تحقیق و عدم مطروdit اجتماعی رابطه معنادار وجود دارد. ضریب رگرسیون نشان می دهد که به ترتیب متغیر پایگاه اقتصادی- اجتماعی ۱۴,۳٪، سرمایه فرهنگی ۱۳,۹٪، جهت گیری ارزشی ۳,۳٪ و جنسیت ۱,۲٪ از واریانس عدم مطروdit اجتماعی را تبیین می کنند.

نتیجه

سالمندان به عنوان بخش مهمی از افراد جوامع همواره مورد غفلت واقع شده اند، حال آن که مسائل و مشکلات مربوط به سالمندی با افزایش روزافزون جمعیت آنان بیش از پیش اهمیت می یابد. زنان و مردان با پا گذاشتن به سنین پیری مورد

رابطه سرمایه فرهنگی با مطروdit اجتماعی هم معنادار است. طبق نظر بورديو سرمایه فرهنگی در خلال اجتماعی شدن در فرد انباشته می‌شود. فردی که قابلیت استفاده از کالاهای فرهنگی را نداشته باشد، در واقع قابلیت اثبات تمایلات پایدار خویش را هم ندارد؛ چنین فردی که قادر به تحقق بخشیدن به تمایلات خویش نیست چطور انتظار دارد که ناخودآگاه از جامعه کنار گذاشته نشود؟

پایگاه اقتصادی- اجتماعی و جهت‌گیری ارزشی هم با مطروdit اجتماعی رابطه معنادار دارند. وبر در تکمیل نظریه مارکس مفهوم پایگاه اقتصادی- اجتماعی را بیان کرد و اعتقاد داشت که اعتبار اجتماعی یک فرد از این طریق مشخص می‌شود. در اینجا نیز هر چه سالمند پایگاه اقتصادی- اجتماعی بالاتری داشته باشد، مطروdit کمتری دارد و برعکس هر چه پایگاه پایین‌تری داشته باشد، طرد اجتماعی بیشتری خواهد داشت. از سوی دیگر هر چه جهت‌گیری بالاتر و به سمت تدبیرگرایی می‌رود، مطروdit کمتر می‌شود و هر چه جهت‌گیری ارزشی پایین‌تر و به سمت تقدیرگرایی می‌رود، مطروdit اجتماعی سالمند بیشتر می‌شود. به اعتقاد اینکلس (۱۹۶۶) در جامعه مدرن، عناصر فرهنگی و انسانی نیز مدرن می‌شود. در چنین جامعه‌ای همه چیز رو به سوی آینده دارد و اگر چنین نباشد، زندگی فرد همسو با جامعه نیست. طبق نظریه طبقه پایین از مورای (۱۹۹۴) نیز مطروdit باید در ایستارها و رفتارها یا سبک زندگی فرد طرد شده ریشه‌یابی شود.

آمارها نشان می‌دهند که بیشترین میزان تبیین متغیر مطروdit اجتماعی، در درجه اول با ۱۴,۳٪ به وسیله متغیر پایگاه اقتصادی- اجتماعی و در درجه دوم با ۱۳,۹٪ به وسیله سرمایه فرهنگی صورت می‌پذیرد.

در یک جمع‌بندی کوتاه می‌توان گفت همه متغیرهای مستقل با مطروdit اجتماعی رابطه معنادار دارند و بیشترین عوامل تأثیرگذار که تغییرات مطروdit اجتماعی را تبیین می‌کنند پایگاه اقتصادی- اجتماعی و سرمایه فرهنگی هستند. با توجه به آنچه طی مراحل مختلف تحقیق حاصل

فروشنندگان هستند از لحاظ درآمدی ۳۳٪ سالمندان دارای درآمد ماهیانه بین ۶۰۰ تا ۸۰۰ هزار تومان هستند و طبقات پایین درآمدی، کمترین درصد را به خود اختصاص می‌دهد. از لحاظ سرمایه فرهنگی و پایگاه اقتصادی- اجتماعی، تقریباً ۶۰٪ سالمندان در سطح پایین قرار گرفته‌اند. جهت‌گیری ارزشی سالمندان بیشتر گرایش به تقدیرگرایی دارد. از لحاظ مطروdit اجتماعی هم می‌توان گفت سالمندان ورامین دارای مطروdit اجتماعی هستند و این میزان در حد نسبی است.

نتایج این پژوهش و جداول رابطه دو متغیره بین متغیر مستقل تحقیق و متغیر وابسته نشان می‌دهد که جنسیت و مطروdit اجتماعی رابطه معناداری با یکدیگر دارند. میزان مطروdit اجتماعی زنان بیشتر از مردان است؛ طبق نظریات، دلیل این امر تفاوت‌های بنیادین زنان و مردان در احساس، اندیشیدن، ارتباط با دیگران و جهان اجتماعی است. فمینیست‌ها معتقدند با وجود تفاوت‌ها و تنوع‌ها در مردان و زنان، نوعی همسانی یا یک هویت مشترک در بین مردان و در بین زنان وجود دارد. به عبارت دیگر، زندگی زنان به دلیل تجربه مشترک سلطه‌پذیری تحت نظام مردسالاری با هم مشترک است (محمدپور و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۵۵).

مقایسه‌های انجام شده در رابطه با متغیر جنسیت در پژوهش‌های مختلف نشان می‌دهد که بر خلاف تحقیق حاضر، دل بونو و همکارانش (۲۰۱۳-۲۰۰۷) به ارتباط معناداری بین تفاوت‌های جنسیتی و مطروdit اجتماعی دست نیافتند. جیزبرز و ورومن (۲۰۰۸) نیز در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که سن و جنس عامل تأثیرگذار جدی بر مطروdit اجتماعی نیست.

در مقابل، جدیدی و همکارانش (۱۳۹۰) در پژوهشی که مربوط به کیفیت زندگی است به این نتیجه دست یافتند که عامل جنسیت، متغیری تأثیرگذار است؛ به طوری که کیفیت زندگی مردان بیش از زنان بوده است. در پژوهش سام‌آرام و یزدانپور (۱۳۸۹) نیز نتایج نشان داد متغیر جنسیت در کنار سایر متغیرها با کیفیت زندگی سالمندان مرتبط است.

گردیده است پیشنهادهای زیر ارائه می‌گردد:

۱. با توجه به جوانی جمعیت کشورمان طی سال‌های اخیر، اکثر برنامه‌ریزی‌ها روی مسائل جوانان متمرکز بوده است ولی روند رو به رشد سالمندان مطالعات بیشتر و همچنین برنامه‌ریزی‌های بیشتری را می‌طلبد.

۲. تأسیس مراکز مددکاری اجتماعی برای سالمندان و خانواده‌هایی که دارای فرد سالمند هستند کمک می‌کند تا هم سالمندان با حضور در جلسات مربوط به مرکز، احساس طردشدگی و کنارگذاری نکنند و اعتماد به نفس بالا کسب کنند و هم خانواده‌هایشان بتوانند با مشاوره با مددکاران با مشکلات زندگی با سالمند خویش کنار بیایند. این مراکز هم می‌تواند به صورت خصوصی و هم به صورت دولتی از جانب سازمان بهزیستی تأسیس شود.

۳. طبق نتایج تحقیق، سرمایه فرهنگی بالا عامل مؤثر در جلوگیری از طرد اجتماعی شناخته شد؛ بنابراین تأسیس مراکز فرهنگی خاص سالمندان برای گذراندن اوقات فراغت، نه تنها نقش عمده‌ای در تقویت روحی سالمندان خواهد داشت بلکه سبب می‌شود میزان سرمایه فرهنگی آنان نیز افزایش یابد. این مراکز می‌تواند امکان مطالعه، تفریح، سرگرمی، کارهای دستی و امور مشابه را تدارک ببیند.

۴. از کارهای دیگری که در این راستا می‌شود انجام داد، برقراری تخفیف‌های ویژه خاص سالمندان (تهیه بلیت هواپیما، قطار، سینما، نمایشگاه، اتوبوس و ...) است و یا دادن چنین امتیازاتی به خانواده‌هایی است که افراد سالمند دارند. شهرداری و فرمانداری‌های شهرها می‌توانند با هماهنگی و پرداخت هزینه به مراکز فرهنگی که زیر نظرشان کار می‌کنند این مهم را فراهم آورند.

از جمله محدودیت‌های این تحقیق، نبود اطلاعات در رابطه با مطروdit اجتماعی سالمندان است. به عبارت دیگر تحقیق یا مقاله‌ای فارسی که موضوع سالمندی را از جنبه مطروdit اجتماعی بسنجد یافت نشد. از مشکلات دیگر، دشواری در یافتن نمونه مورد نظر است زیرا به علت مشکلات نگهداری سالمندان ممکن است خانواده‌ها آنها را به

سراهای سالمند بسپارند. از سوی دیگر به علت آن که تعداد سالمندان در خانوارها نسبت به کودکان، نوجوانان، جوانان و میانسالان کمتر است، دسترسی به سالمندان با مشکل مواجه می‌شود. دشوار بودن انجام مصاحبه با سالمندان به علت بیسواد بودن یا داشتن سواد پایین و کم حوصلگی آنها از دیگر محدودیت‌های این تحقیق به شمار می‌رود.

منابع

آزاد ارمکی، ت. (۱۳۷۶). «بررسی نظریه نوسازی: مطالعه موردی درباره تقدیرگرایی فرهنگی در ایران»، نشریه میان رشته‌ای فرهنگ، ش ۲۲ و ۲۳، ص ۱۹۱-۲۰۸.

الکاک، پ.؛ می، م. و کارن، ر. (۱۳۹۱). مرجع سیاست‌گذاری اجتماعی، ترجمه: علی اکبر تاج‌مزینانی، محسن قاسمی و مرتضی قلیچ، جلد دوم، چاپ اول، تهران: نشر امام صادق (ع).

بیکر، ت. (۱۳۸۶). نحوه انجام تحقیقات اجتماعی، ترجمه: هوشنگ نایبی، تهران: نشر نی.

پورجعفری، ح. و آبائی، ح. (۱۳۸۱). «بررسی و مقایسه ضریب سالمندی در ایران طی دو سرشماری عمومی نفوس و مسکن: سال‌های ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵»، مجموعه مقالات کنگره بررسی مسائل سالمندی در ایران و جهان، چاپ اول، انتشارات کتاب آشنا، صص ۵-۹.

تاج‌مزینانی، ع. و همکاران. (۱۳۹۰). مرور ادبیات درباره وضعیت جوانان در ایران و تعیین موضوعات اولویت‌دار در ارتباط با جوانان کشور، انتشارات نمایندگی یونسف در ایران.

دلاور، ع. (۱۳۹۰). روش تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی، تهران: نشر ویرایش.

روحانی، ح. (۱۳۸۸). «درآمدی بر نظریه سرمایه فرهنگی»، فصلنامه راهبرد، سال هیجدهم، ش ۵۳، صص ۷-۳۵.

ریاحی، م. (۱۳۸۷). «مطالعه تطبیقی موقعیت و جایگاه

- معیدفر، س. (۱۳۸۹). *مسائل اجتماعی ایران (جامعه‌شناسی اقشار و گروه‌های آسیب‌پذیر)*، با استفاده از تحقیقات کلاس درس اقشار آسیب‌پذیر و همکاری دانشجویان، چاپ اول، تهران: نشر علم.
- منوچهری، ه. ب.؛ قربی، م.؛ حسینی، ن. نصیری اسکویی، و کاربرد بخش، م. (۱۳۸۷). «میزان و انواع سوء رفتار خانگی با سالمندان p مراجعه کننده به پارک‌های شهر تهران»، نشریه دانشکده پرستایی و مامایی شهید بهشتی، سال هجدهم، ش ۶۲، صص ۳۷-۴۴. نیازی، م. و بابایی‌فرد، ا. (۱۳۹۰). *جامعه‌شناسی سالمندی*، چاپ اول، کاشان: سخنوران.
- Del Bono, E, Sala, E. Hancock, R. Gunnell, C. & Parisi, L. (2007) Gender, Older People and Social Exclusion. A Gender Review and Secondary Analysis of the Data, *ISER Working Paper 2007-13*, Colchester: University of Essex, pp 1-105 .
- Jehoel-Gijbers, G. & Vrooman, C. (2008) "Social Exclusion of the Elderly : A Comparative Study of EU Member States", *ENEPRI Research Report*, No. 57, p 1- 85 .
- Muhli, U. (2010) "Accounts of Professional and Institutional Tension in The Context of Swedish Elderly Care", *Journal of Aging Studies* , No. 24, p 47-56 .
- Thomas Scharf, Chris Phillipson, Allison E. Smith, (2001) "*Older People In Deprived Neighbourhoods, Social Exclusion and Quality of Line In Old Age*, Center for Social Gerontology, Keele University.
- Tajmazinani, A.A. (2010) "*In the Mainstream or at the Margins? Youth Inclusion and Exclusion in Iran*", University of Glamorgan, U.K. PhD Thesis, p 1-25.
- Theobald, Hildegard (2005) *Social exclusion and care for the elderly: Theoretical concepts and changing realities in European welfare states*, WZB Discussion Paper, No. SP I 2005-301, available at: <http://econstor.eu/bitstream/10419/47367/1/482174676.pdf>
- Yekkalam, N. (2012) "*Patterns and Risk Factors of Social Exclusion Among Older People in India*", *UMEA University Thesis*, available at: http://www.phmed.umu.se/digitalAssets/117/117473_negin-yekkalam.pdf
- سالمندان در جوامع گذشته و معاصر»، فصلنامه سالمند، سال سوم، شماره نهم و دهم، صص ۱۰-۲۱ . سالاروند، ش. و عابدی، ح. (۱۳۸۷). «علل و انگیزه‌های اقامت در سرای سالمندان از دیدگاه سالمندان اسکان یافته»، فصلنامه علمی- پژوهشی فیض، دوره دوازدهم، ش ۲، صص ۱-۷.
- سام‌آرام، ع. و یزدان‌پور، ف. (۱۳۸۹). «عوامل مرتبط با کیفیت زندگی سالمندان (سالمندان شهرستان خمین)»، فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ش ۶، صص ۴۵-۶۳.
- سیف‌زاده، ع. (۱۳۸۶). *مشخصه‌های اقتصادی، اجتماعی، جمعیتی و سلامت در کهنسالی؛ موردشناسی شهر آذرشهر*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی.
- شارع‌پور، م. و خوش‌فر، غ. (۱۳۸۱). «رابطه سرمایه فرهنگی با هویت اجتماعی جوانان؛ مطالعه موردی شهر تهران»، نامه علوم اجتماعی، ش ۲۰، صص ۱۳۳-۱۴۷.
- شعاعی، ف. (۱۳۸۱). «فرهنگ ایرانی و سالمندان»، مجموعه مقالات کنگره بررسی مسائل سالمندی در ایران و جهان، چاپ اول، انتشارات کتاب آشنا، صص ۷۳-۷۹.
- عضدانلو، ح. (۱۳۸۴). *آشنایی با مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی*، تهران: نشر نی.
- علیخانی، و. (۱۳۸۱). *پیری از دیدگاه‌های مختلف*، چاپ اول، تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان.
- محمدپور، ا. بوستانی، د.؛ صادقی، ر. و رضایی، م. (۱۳۸۸). «تحقیق فمینیستی: مبانی پارادایمی و مجادله‌های انتقادی»، فصلنامه پژوهش زنان، دوره ۷، ش ۲۱، صص ۱۵۱-۱۸۶.
- مرکز آمار ایران. (۱۳۹۰). *سرشماری عمومی و نفوس مسکن ۱۳۹۰: نتایج کلی سرشماری، گزیده نتایج سرشماری*، آن‌لاین ۲۳/۸/۹۱: www.amar.org.ir/portals/abstract/1390